

۱- در سیزدهم فروردین ۱۳۹۴، پس از سال‌ها مذاکرات آشکار و پنهان، جار و جنجال‌ها، سرانجام «تفاهم» هسته‌ای بین جمهوری اسلامی و گروه ۵+۱ در لوزان سویس منعقد شد. به نظر شما، چه سیاست‌ها و انتظاراتی - و در متن چه شرایط منطقه‌ای و جهانی - دو طرف اصلی این ماجرا - جمهوری اسلامی و آمریکا - را به سوی انعقاد این «تفاهم» («برجام») سوق داد؟

۲- یک سؤال مطرح این است، که آیا واقعا «برجام» - و در کُل، فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی - مشکل اصلی آمریکا و متحدین غربی آن برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی، تحریم‌های اقتصادی گسترده و... بوده است؟ یا بحران‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای، نقش و موقعیت جمهوری اسلامی در متن آن، و بازتعریف و بازسازی نقش و موقعیت قدرت‌های منطقه‌ای و بدیل‌های سیاسی و اقتصادی مورد نظر آمریکا و متحدین غربی آن دلیل و هدف اصلی بوده است؟

۳- با «برجام»، قرار بوده است جمهوری اسلامی سرمایه‌چه نقش و موقعیت منطقه‌ای بیابد، هم از نظر خود جمهوری

۶- در طول مذاکرات جمهوری اسلامی با گروه ۵+۱، به نظر می‌آمد هر دو جناح اصلی سرمایه در حاکمیت جمهوری اسلامی هم‌گام و هم‌راه هستند. چرایی این هم‌گامی و هم‌راهی خود یک سؤال است؟ و سؤال دیگر این که، چرا پس از «برجام»، مناقشات بین این دو جناح تشدید شده است؟

۷- چه تفاوت‌هایی در برنامه و استراتژی سیاسی و اقتصادی این دو جناح را از هم متفاوت می‌کند؟ روند کنونی تشدید مناقشات میان آن‌ها کدام سمت و سو را اتخاذ خواهد کرد و تاثیر آن بر اوضاع سیاسی جاری، صف بندی‌های درون بورژوازی و موقعیت جمهوری اسلامی سرمایه چه خواهد بود؟

۸- وضعیت طبقه‌ی کارگر در این میان چگونه است؟ حتما اگر گشایش اقتصادی با «برجام» امکان‌پذیر باشد، این جز با استثمار شدیدتر طبقه‌ی کارگر و کاربرد اختناق خونین‌تر در محل‌های کار و زندگی طبقه ممکن نیست؛ در غیر این صورت هم دایره‌ی بیکاری، فقر و فلاکت، گرسنگی و آوارگی، طبقه هم‌چنان وسیع‌تر و عمیق‌تر خواهد شد. چه باید کرد؟

نگاه می‌پرسد؟! شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ایران، در متن بحران اقتصادی سرمایه‌داری ایران و تحولات سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای، شرایط بحرانی و خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها در مورد مهم‌ترین مولفه‌های این شرایط توضیح دهد. شرایط بحرانی و اقتصادی سرمایه‌داری جهانی... شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ایران... در متن بحران اقتصادی سرمایه‌داری و تحولات سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای؟

۹- بحث اتحاد و هم‌بستگی طبقاتی کارگران و تشکل طبقاتی آنان سال‌هاست که مطرح بوده است. فعالیت‌های عملی معینی هم در این باره و به منظور کمک‌رسانی به ایجاد چنین تشکل‌هایی یا زمینه‌سازی فرهنگی برای ایجاد آنان توسط فعالین کارگری صورت گرفته است. گره کور این مباحث و فعالیت‌ها چه بوده، که ما هنوز شاهد وجود چنین تشکلی نیستیم؟ آیا، آن‌طور که بعضی می‌گویند، فقط قدرت سرکوری جمهوری اسلامی می‌توانسته از برپایی چنین تشکلی جلو بگیرد؟

۱۰- به نظر شما، کدام مسایل، گره‌گاه‌ها، مطالبات، و اشکال مبارزاتی در شرایط حاضر کلیدی هستند، به طوری که تمرکز روی آن‌ها و بسیج طبقه‌ی کارگر حول آن‌ها، می‌تواند به ایجاد فضای مناسب و لازم جهت پیش‌روی طبقه در مبارزه‌ی طبقاتی و به ویژه ایجاد تشکل طبقاتی کارگران بیانجامد و راه انقلاب کارگری و تغییرات بنیادین اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در ایران را هموار سازد؟

اسلامی و هم از نظر آمریکا و شرکای بین‌المللی اش؟ آیا چنین نقش و موقعیتی در متن بحران‌های حاد خاورمیانه، رقابت‌های رو به تزاید قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان، ترکیه و... امکان‌پذیر و مورد قبول سایر رقبای منطقه‌ای و نیز اسرائیل هست؟

۴- آیا تعدیل یا تقلیل و فروکشی بحران‌های حاد خاورمیانه، حتما با توجه به نقش و موقعیتی که قرار بوده است جمهوری اسلامی - از منظر آمریکا و شرکای بین‌المللی اش - پس از «برجام» ایفا کند، در شرایط بحران اقتصادی سرمایه‌داری جهانی، رقابت‌های بلوک‌های مختلف آن، دولت‌های جنایت‌کار و فاسد منطقه‌ای و وجود انبوهی از مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تلنبار شده، ممکن است؟ اساسا «نقشه‌ی راه» آمریکا و متحدین غربی آن برای این منطقه چیست؟ و راه حل انسانی و رادیکال مقابل آن؟

۵- در صحنه‌ی داخلی ایران چطور؟ گفته می‌شد «برجام»، گشایش اقتصادی می‌آورد، وضعیت کسب و کار بهتر می‌شود و توده‌ی مردم از معیشت بهتری برخوردار خواهند شد؟ آیا اساسا چنین امری در متن شرایط بحران اقتصادی جمهوری اسلامی، و ارتشا و فساد گسترده، مقذور هست؟ تجربه‌ی همین چند ماهه‌ی اخیر از نظر شما موید چه نکاتی است؟

